



Research Article

Political training in the field of education from the perspective of the Imams of the Islamic Revolution¹

Parviz Jamshidi Mehr

Ph.D., Political Science, Isfahan University, Isfahan, Iran (Corresponding author).
parvizjamshidi1366@gmail.com

Naseeba Abdipour

Master's Student, Curriculum Planning, Kashan, Iran. abdipour197@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the term of political upbringing as a speech-hermeneutic act in the ideas of Imām Khomeyni and Āyatollāh Khāmene'i within the educational realm emphasizing on the role of teachers. Undoubtedly, speech act is for the purpose of making a change in the realm of act and so different situations and backgrounds are effective on the orientation of words. The research method is based on the theory of speech act and Skinner's hermeneutics (1978) following the theories of John Searle (1962), Wittgenstein (1994), and John Austin (1975) which all have a special emphasis on the intention of the author. The meaning of text in this research is a general overview involving books, dissertations, speeches, symbols, and so on. The present research, on the one hand, can clarify different aspects of political upbringing for students and students-teachers and, on the other hand, assist the officials of the educational system in planning in the country. The results showed that the speech act of Imām Khomeyni in the concept of political upbringing is adopted based on up-to-date conditions, Islamic-religious principles, and also their accompanying terms such as fighting, science along with spirituality, monotheism, faithfulness, religiosity, revolutionary spirit, and independence. Likewise, political education in the words of the supreme leader is associated with some major categories in the second step of the revolution, Islamic modern civilization, Islamic government, believer and revolutionary forces, Jihādi management, culture and politics, science and morality and therefore specifies the path of revolution in this field.

Keywords: Political Education, Imām Khomeyni, Speech Act, Hermeneutic, Āyatollāh Khāmene'i, Education and Upbringing Students.

1. **Cite:** Jamshidi Mehr, P. & Abdipour, N. (2023). Political training in the field of education from the perspective of the Imams of the Islamic Revolution. *Research Quarterly Of Islamic Education and Training*, 4(1), P.47-70.
DOI: 10.22034/riet.2023.12800.1146

Received: 2022/12/26; **Received in revised form:** 2023/01/27; **Accepted:** 2023/03/01; **Published online:** 2023/03/21

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





تربیت سیاسی در حوزه آموزش و پرورش از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی^۱

پرویز جمشیدی مهر

دکتری، علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

parvizjamshidi1366@gmail.com

نصیبه عبدی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی درسی، کاشان، ایران. abdipour197@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی واژه تربیت سیاسی به عنوان کنش گفتاری-هرمنوتیکی در اندیشه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه آموزش و پرورش با تأکید بر نقش معلم بود. بدون شک کنش گفتاری با هدف تغییر در عرصه عمل، ایراد می‌شود و زمینه‌ها و شرایط متفاوت در جهت‌گیری واژگان تأثیرگذار هستند. روش پژوهش، نظریه کنش گفتاری و به تبع آن هرمنوتیک اسکینر (۱۹۷۸) است که در پی نظریات جان سرل (۱۹۶۹)، ویتگنشتاین (۱۹۹۴) و جان آستین (۱۹۷۵) آمده است و بر کشف نیت مؤلف تأکید خاصی دارد. معنای متن در این پژوهش، مفهوم عام آن شامل کتاب، رساله، سخنرانی، نماد و... است. پژوهش حاضر از یک طرف می‌تواند ابعاد و جنبه‌های مختلف تربیت سیاسی را برای دانش‌آموزان و دانشجو-معلمان روشن سازد و از سوی دیگر به متولیان نظام آموزشی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی-پرورشی کشور کمک نماید. یافته‌ها نشان داد که کنش گفتاری امام خمینی در مفهوم تربیت سیاسی، با توجه به شرایط روز و مبانی دینی اسلامی اتخاذ گردید و واژگان همراه با آن یعنی مبارزه، علم با معنویت، توحیدمحوری، مؤمن و متدین، انقلابی بودن، و استقلال ارائه شدند. در کلام مقام معظم رهبری نیز تربیت سیاسی با مقوله‌های کلان گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، دولت اسلامی، نیروهای مؤمن و انقلابی، مدیریت جهادی، فرهنگ و سیاست، علم و اخلاق پیونده خورده است و به نوعی مسیر انقلاب را در این حوزه مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تربیت سیاسی، امام خمینی، کنش گفتاری، هرمنوتیک، آیت‌الله خامنه‌ای، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان.

۱. **استناد به این مقاله:** جمشیدی مهر، پرویز؛ عبدی پور، نصیبه (۱۴۰۲). تربیت سیاسی در حوزه آموزش و پرورش از دیدگاه امامین انقلاب

اسلامی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۱)، ص ۴۷-۷۰. DOI: 10.22034/riet.2023.12800.1146

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱



۱. مقدمه

بحث تربیت سیاسی از مهم‌ترین مباحث در راستای تکوین، تثبیت و ترویج ارزش‌های هر حکومتی است که به مدد نظام آموزشی، طی فرایندهای مختلف انجام می‌گیرد. تمامی نظام‌های سیاسی موجود در جهان، نیازمند استفاده از قدرت نرم و الزامات آن هستند تا به قول ماکس وبر (۱۳۹۰) انحصار سلطه خشونت به مشروعیت و پذیرش از سوی جامعه تبدیل گردد. در کشور ما نیز این مهم از طرق متفاوت پیگیری می‌شود و مسئولان ذی‌ربط در تلاش‌اند تا ارزش‌های بومی- ملی و مذهبی کشور به نسل‌های جدید آموخته و درونی شود. از روش‌های شناخت تربیت سیاسی و ویژگی‌های آن می‌توان به کنش‌گفتاری و نظریات رهبران کشورها و حاکمان آنها اشاره نمود. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با استفاده از نظریه کنش‌گفتاری و هرمنوتیک اسکینر، به بررسی مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شده است. فرض بر این است که کنش‌گفتاری رهبران انقلاب اسلامی کنش مضمون در عمل بوده و در راستای تغییر و ایجاد اهداف عملی در ارتباط با تربیت سیاسی بکار گرفته شده‌اند. توجه به زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری اندیشه‌ها امری است که در هرمنوتیک اسکینر مورد توجه بوده و وی بر این باور است که کشف نیت مؤلف بدون شناخت محیط و زمینه‌های زیست وی تا حد زیادی غیرممکن است. اسکینر همچنین بر این امر تأکید دارد که مؤلف می‌تواند متنی را با هدف تغییر شرایط تدوین کرده و گفتار خود را به سوی کنشی عملی و هدفمند رهنمون سازد.

۲. بیان مسئله

در دنیای امروزی مدارس کارویژه‌های زیادی برعهده دارند و جامعه‌پذیری افراد که شامل انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، امری است که قابل توجه نظام‌های آموزشی می‌باشد. در این میان تربیت سیاسی نیز از اهدافی است که هر نظام آموزشی در پی آن است. مسئله اصلی در تربیت سیاسی آموزش بوده و به همین دلیل دستگاه آموزش و پرورش نقش بی‌بدیلی در این فرآیند ایفا می‌کند. آموزش و پرورش رسمی با اینکه به لحاظ زمانی در مرحله بعد از خانواده قرار می‌گیرد، اما از جهت اهمیت و تاثیرگذاری نقشی مهم‌تر از خانواده دارد. کودکان در دنیای مدرن تقریباً بخش زیادی از آموزش‌های خود را از آموزش و پرورش دریافت می‌کنند. بنابراین، در زمینه تربیت سیاسی، آموزش و پرورش از تاثیرگذاری و اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و به همین دلیل دولت‌های مختلف نیز بر نهاد آموزش و پرورش به عنوان مجرای مهم انتقال ارزش‌های سیاسی و تعمیم باورهای سیاسی مؤید نظام سیاسی، سرمایه‌گذاری می‌کنند و همواره در تلاش هستند تا آن را در کنترل خود نگه دارند. این

موضوع با توجه به ساختار سیاسی حاکم، از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار است و به هر حال همه دولت‌ها تمایل دارند که آموزش و پرورش را در انحصار خود قرار بدهند، اما آنچه مهم است، محتوای آموزش و پرورش می‌باشد، این محتوا با توجه به نوع ساخت سیاسی حاکمیت متفاوت است (رنجبر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰). در این راستا، به جنبه‌های مختلف تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی اشاره شده و گذری بر این مفهوم در برخی از کشورهای جهان خواهد شد. به هر حال، شناخت مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری، با توجه به شرایط روز جامعه، امری لازم است. فرض بر این است که مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، با تجربه زیست آنان ارتباط داشته و در مسیر زمان، وجوه متفاوتی یافته است. در واقع، متفکران مذکور از آنجایی که ضمن داشتن دیدگاه‌های نظری، در عرصه عمل نیز تجارب گران‌بهرانی داشته و دارند، بررسی آرای آنان با توجه به زمینه‌های زیست‌شان واجب است. شناسایی اهداف کنش‌گفتاری هر دو اندیشمند می‌تواند متولیان نظام آموزشی و پرورشی کشور را در بحث تربیت سیاسی و نمایاندن جنبه‌های مختلف آن یاری رساند؛ امری که در این پژوهش کوشش شده تا بدان پرداخته شود.

۳. پیشینه پژوهش

میراحمدی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی»، به بررسی مفهوم تربیت سیاسی در منابع و متون با توجه به ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از الگوی روش اجتهادی، اصول حاکم بر تربیت سیاسی استخراج و ارائه گردد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی»، به ساحت اجتماعی-سیاسی سند تحول بنیادین در امر تربیت پرداخته و به این پرسش پاسخ داده شده که گذرگاه سیاست‌پذیری در نظام تعلیم و تربیت چیست؟ در پاسخ به سوال، مفهوم سیاست با توجه به سه رویکرد کلاسیک، جدید و اسلامی بررسی شده و راهکارهایی برای عبور از مراحل سیاست‌پذیری و تعلیم و تربیت سیاسی ارائه شده است.

طباطبایی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مولفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، به بررسی مؤلفه‌های تربیت سیاسی مانند آگاهی، خودشناسی، استقلال، عدالت و آزادی در کتاب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی پرداخته است. یافته‌های پژوهش بر

این امر تأکید دارد که مؤلفه خودشناسی، بیشترین توجه و مؤلفه آزادی، کمترین توجه را به خود اختصاص داده است.

در پژوهش‌های دیگری همچون پژوهش عیسی‌نیا (۱۳۸۷)، با عنوان «تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی»، رنجبر (۱۳۸۷)، «تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و چارچوب‌های مختلف»، یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، «ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی براساس ساحت تربیت سیاسی - اجتماعی سند تحول بنیادین»، به موضوع تربیت سیاسی پرداخته‌اند.

بحث تربیت سیاسی از مباحث مهم انقلاب اسلامی بوده است؛ چراکه از یک طرف به منظور تأمین نیروهای وفادار به آرمان‌های انقلاب، مؤمن به ارزش‌ها، انقلابی بودن در عمل، جهادی عمل نمودن در عرصه مدیریت کلیدواژگانی هستند که در بیانات مقام معظم رهبری و امام خمینی مشاهده می‌شوند و با تربیت سیاسی ارتباط دارند. از سوی دیگر، دغدغه‌های مقام معظم رهبری در سال‌های متمادی، بویژه در بیانیه گام دوم، بر اهمیت این موضوع تأکید دارند، بهانه‌ای است تا جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گیرد. با وجود تحقیقاتی که در حوزه تربیت سیاسی انجام گرفته است، هنوز نیاز به کار پژوهشی کامل‌تر در حوزه آنتولوژی واژه مذکور حس می‌شود تا بتوان ابعاد گسترده‌تری از این مفهوم را شناخت. آنچه پژوهش فعلی را با پژوهش‌های مشابه پیشین متمایز می‌کند، نگاه کلان‌تر به مقوله تربیت سیاسی، بررسی مفهوم مذکور به صورت کنش‌گفتاری - هرمنوتیکی، با توجه به شرایط تاریخی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری است که در نوع خود به نظر امر بدیعی می‌باشد.

۴. چارچوب نظری

امروزه کنش‌گفتاری و هرمنوتیک به عنوان یکی از روش‌های جذاب در حوزه‌های تحلیلی و تحقیقاتی اندیشمندان در رشته‌های مختلف بوده که طرفداران زیادی یافته است. کشف نیت مؤلف، مؤلف‌محور بودن، مفسر‌محور بودن، مخاطب‌گرا بودن، زمینه‌گرا بودن، روش‌های درست فهم، جلوگیری از بدفهمی، نقش زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در تدوین متن، نقش پیش‌داوری‌های مفسر و خواننده در فهم، نسبی یا مطلق بودن معنای متن، ارتباط هرمنوتیک با سیاست، اقتصاد، پزشکی، فرهنگ، اجتماع، قوانین و... از جمله دغدغه‌هایی است که در این رویکرد به آن پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، هرمنوتیک واژه‌ای است که به طور فزاینده در محافل فلسفی، کلامی و حتی ادبی شنیده می‌شود و دانشی است که به فرآیند فهم یک اثر می‌پردازد و چگونگی دریافت متن از پدیده‌های گوناگون هستی اعم از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌نماید. در واقع

دانش هرمنوتیک با نقد روش‌شناسی در تلاش است تا راهی برای فهم بهتر پدیده‌ها ارائه دهد. رویکردی در میان اندیشمندان و متفکران حوزه هرمنوتیک طرفداران زیادی یافته است، بازشناسی متون تاریخی به منظور بازشناسی فهم موجود، ارائه فهم جدید، تغییر برداشت‌ها و حتی به قول اسکینر ایجاد هنجار جدید با استفاده از فهم نو از متون تاریخی است. رویکردی که با نام مکتب کمبریج و کارهای جان پوکاک^۱ و کوینتن اسکینر^۲ شهرت یافته است. اسکینر در تلاش است تا کنش‌گفتاری متفکر را با توجه زمینه‌های تولید اندیشه وی مورد بررسی قرار دهد و سعی دارد تا تئیت اصلی نویسنده را کشف کند. از آنجایی که امام خمینی از اندیشمندانی هستند که نظریه را با عمل پیوند داده‌اند و در برهه‌های مختلف حیات خویش با کنش‌گفتاری خود تغییرات زیادی ایجاد نمودند، بررسی اندیشه ایشان از طریق کنش‌گفتاری - هرمنوتیکی جذاب به نظر می‌رسد.

همچنین مقام معظم رهبری در منصب سکانداری کشتی انقلاب نیز دارای نظریاتی هستند که بررسی جوانب آنها با رویکرد مذکور امکان‌پذیر است. بدین منظور در پژوهش حاضر تلاش شده تا زمینه‌های زیست‌اندیشمندان، تئیت اصلی، کنش‌گفتاری معطوف به عمل و چشم‌انداز نظریات آنان را در ارتباط با مفهوم تربیت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. همان‌طور که اشاره شد، روش مورد استفاده در این پژوهش کنش‌گفتاری - هرمنوتیکی است. باید توجه داشت که در نیمه دوم قرن بیستم گرایش به متون و نقش آنها در اندیشه سیاسی روبه فزونی گرفت و کاربرد زبان در وجه کاربردی آن مورد توجه قرار گرفت. در واقع در بسیاری از موارد واژگان مشابه برای اقدامات عملی متفاوت بکار گرفته می‌شوند (Austin, 1975, p.8). از مهم‌ترین نویسندگان این حوزه ویتگنشتاین متأخر بوده که معتقد است کاربرد زبان یک اصطلاحی است که با شرایط خاص و محیطی که در آن گفته یا نوشته می‌شود، ارتباط دارد. ایشان در دوره اول فعالیت فکری خود معتقد به نظریه تصویری زبان بود. از این منظر استدلال می‌کند که زبان تصویر امر واقع است و گزاره‌ای در این باره معنی‌دار بوده که با واقعیت، ساختار منطقی یکسانی داشته باشد. از نظر وی زبان بیان نمادین امر واقع است و برای تحلیل معناداری یک گزاره باید به تحلیل تطابق آن گذار با وضع بیرونی امور پرداخت. ویتگنشتاین در مرحله دوم فعالیت فلسفی خود که اصول آن را در کتاب «پژوهش‌های فلسفی» منتشر کرد، به نظریه کاربردی یا ابزاری زبان اشاره می‌کند و برخلاف تفکر قبلی خود نمی‌اندیشد. در دوره اخیر، وی در تحلیل زبان به این امر روی آورد که هر

1. John Pocock

2. Quentin Skinner

نشانه به تنهایی مرده است. پس، چه چیزی با آن زندگی می‌بخشد؟ نشانه در کاربرد زنده است و کاربرد زندگی است. از این فراتر وی در این مرحله به حدی از پراکسیس و عمل‌گرایی معتقد شده بود که اعتقاد داشت زبان را باید در عمل ریشه‌یابی کرد (Wittgenstein, 1994, p.58). به هر حال زبان، باستانی‌ترین دستگاه افناع است. توانایی استفاده از منابع زبانی مطابق با نیازهای هر نوع ارتباط، مهارت مهمی در دستیابی به اهداف شخصی یا عمومی است. در واقع یک امر که به درستی تفسیر شده باشد، می‌تواند به عنوان شاخص روشنی برای مفاهیم مورد نظر باشد (Searle, 1969, p.15) و گفتار سیاسی منتج از آن، مردم را به انجام یا عدم انجام کاری وادارد (David, 2014, p.164).

سرل و جان آستین و بعد از آن کوئینتن اسکینر نیز بر کنش گفتاری نویسنده تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب که در هر اثر هنری با هر نوع گرایشی، عملاً دارای پیچیدگی ذاتی قابل توجهی خواهد بود و از ابزارهایی چون طنز، تلمیح، کنایه و طیف گسترده‌ای از تأثیرات نمادی و تمثیلی استفاده می‌شود (Skinner, 2004, p.69). از این‌رو افرادی مانند اسکینر که متأثر از کنش گفتاری جان آستین است، معتقد است برای رسیدن و بازسازی معنای اصلی متن نباید بتوان تبت و انگیزه نویسنده را نادیده گرفت (Skinner, 2002, p.96). از نظر وی، تاریخ یک متن را از نظر هدف متن در نظر نمی‌گیرد، بلکه به لحاظ منبع تاریخی به آن می‌نگرد که با استفاده از آن برای فهمیدن متن به هیچ وجه قصد گفتن ندارد و منبع تاریخی همه تبت و قصد متن را بیان نکرده و ما به هیچ وجه نمی‌توانیم همه آنچه را بیان کرده، پیدا کنیم. از سوی دیگر، به نظر برخی از متفکران و با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از نوشته‌های تاریخی مدرن اولیه کاملاً عقیدتی بود، به این معنا که برای حمایت از عقاید خاصی به نگارش درآمده بود (Giannakopoulos & et al., 2012, p.6-18)، فهم قصد و تبت اصلی نویسنده کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. روش‌شناسی مکتب کمبریج در تاریخ‌نگاری اندیشه، از مکاتب جدیدی است که هدف آن مطالعه متون اندیشه سیاسی در زمینه تاریخی‌شان و همچنین «تحلیل زبانی» متون به‌عنوان اجزای بدنه یک پارادایم یا کنش گفتاری است.

از مهم‌ترین افرادی که در مکتب سیاسی کمبریج صاحب سبک شناخته می‌شوند، جان پوکاک و کوئینتن اسکینر است. باید به این نکته اشاره کرد که پوکاک در کتاب «کنستیتوتسیون قدیم و قانون فئودالی» معتقد است که فهم ما نسبت به تاریخ، هم از نظر محتوای آن و هم از نظر کاربرد آن، گسترش یافته است (Pocock, 1978, p.10). همچنین وی در کتاب «سیاست، زبان و زمان» نیز از تغییرات بنیادینی صحبت می‌کند که در نتیجه آن دانشمندان علاقمند هستند که سیستم‌های تفکرات سیاسی و تاریخی را به عنوان تجربه‌های زندگی نگاه کرده و از طریق همین تغییرات به مطالعه تاریخ و نحوه

شکل‌گیری تفکر تاریخی بردازند (Pocock, 1989, p. 4). پوکاک مدعی است که تاریخ‌نویسی تاریخ‌نگاران از نظم خاصی پیروی می‌کند که باعث نادیده گرفتن نکات مهم و مراحلی می‌شود که با شخصیت یا روش آنان همخوانی ندارد (Pocock, 1999, p.35). آنچه اسکینر را برعکس پوکاک و به شیوه‌ای خاص متمرکز بر «اغراض» نویسندگان و اندیشمندان می‌کند (Skinner, 1978, p. 45)، تأثیرپذیری او از نظریه کنش‌گفتاری آستین است. در واقع در این مکتب متون، جایگاه بی‌نظیری در ترویج و گسترش اندیشه‌های سیاسی دارند و از نظر این مکتب بدون متون مذکور، علوم انسانی با بحران داده روبرو خواهد شد. زبان و فهم موضوعی است که در طول تاریخ فلسفه (بویژه از رنسانس به بعد) مورد بحث بوده است (Schmitt, Kraye, Kessler & Skinner, 1990, p. 452).

به هر حال باید توجه داشت که مطالعه زبان‌شناختی ممکن است به جای بررسی واژه‌ها و جملات، به کاربرد زبان، یعنی کنش‌های گفتاری محدود شود. سِرل^۱ مباحث زبان را به سه شاخه تقسیم می‌کند: اول فلسفه زبان که از مباحث زبانی است. در شاخه دوم به جای نسبت میان معنا، بر این مطلب تأکید دارد که این معنا و کاربرد وجود دارد، و سومین مرحله درباره رابطه زبان با آنچه گوینده در مورد آن صحبت می‌کند، است. به هر حال مفهوم محوری در دومین رشته، تحول زبانی کنش‌گفتاری است؛ یعنی مجموعه‌ای از بررسی‌های فعل یا کنش که در زمینه مقاصد و نیت گوینده می‌باشد (برزگر، ۱۳۹۲، ص ۳۴). کنش‌گفتاری مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی، با توجه به هرمنوتیک اسکینری، متناسب با شرایط خاص دوران مبارزه، پیروزی و تثبیت انقلاب بوده است و این مفهوم در اندیشه مقام معظم رهبری ضمن شباهت در اصول ارزشی و بار ارزشی مفهوم مذکور، با توجه به شرایط دوران رهبری ایشان، راهبردی کلان‌تر نیز یافته است که چکیده آن در نظریه‌های تمدن نوین اسلامی و گام دوم انقلاب مشاهده می‌شود.

۵. تربیت سیاسی

تربیت یعنی رشد استعدادها و مواهب الهی انسان، تهذیب وجدان، ایجاد عادات خوب و به ثمر رساندن عواطف لطیف و سرانجام به معنی رسیدن انسان به کمالات در خور او که شامل جنبه‌های مادی و معنوی است. تربیت سیاسی به معنی پرورش فضای دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود می‌باشد

که شامل اموری همچون تربیت شهروندان، ایجاد وحدت سیاسی، گزینش رهبران سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، حفظ و تقویت قدرت سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی است (حجتی، ۱۳۸۵، ص ۱۸). در واقع تربیت سیاسی فعالیتی نیست که صرفاً به تقویت جنبه نظریه‌ها و آگاهی‌های مشخص سیاسی پردازد؛ بلکه هدف آن پرداختن به رشد و گسترش هرچه بیشتر بینش و دیدگاه‌هایی است که در برگیرنده ارزش‌ها، اعتقادات، جهت‌گیری‌ها و عواطف سیاسی نیز باشد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۳۰).

همچنین مطالعات انجام شده در خصوص تربیت سیاسی نشان می‌دهد که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای فعالیت‌های سیاسی تا سنین ۱۲ و ۱۳ سالگی تا حد مناسب در افراد تثبیت می‌شود. در واقع در فضای آموزشی آنچه دانش‌آموزان در سال‌های تحصیلی خود می‌آموزند، در سال‌های بعد به قوت خود باقی است و رفتار سیاسی آینده آنها را شکل خواهد داد (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۲). به هر حال توجه به تعلیم و تربیت سیاسی در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش و نظام تربیتی کشور علاوه بر اینکه بنیان آینده کشور از سوی متریبان می‌باشد، در واقع نوعی بهره‌برداری زمانی از بهترین فرصت تربیت سیاسی نسل آینده به عنوان شهروندان فعال، کنشگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو نیز است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۰).

امروزه این فرض پذیرفته شده است که به منظور آنکه شهروندان بتوانند مطلوب‌تر ابراز وجود کرده و نمایندگانشان را انتخاب کنند، باید از حداقل تعلیم و تربیت سیاسی در زمینه نظام سیاسی برخوردار باشند. از سوی دیگر، یک نظام سیاسی که از مشارکت عمومی و سیاسی برخاسته است، هر چقدر از تعلیم و تربیت سیاسی در اداره امور جامعه خود برخوردار باشد، به همان میزان مشروعیت و حقانیت بیشتری می‌تواند کسب کند. بدین معنا که مردم با مشارکت، سرنوشت خود را با حکومت و سازمان اجرایی جامع، هماهنگ دانسته و کمتر در پیشبرد امور به اعمال زور، خشونت و قوه قهریه نیاز دارند و در پی آن ثبات، تداوم و ماندگاری آن نظام سیاسی تضمین می‌شود.

۵-۱. تربیت سیاسی در نظام آموزشی سایر کشورها

بدون تردید نظام آموزشی در همه کشورها برای ترویج و تثبیت ایدئولوژی و ارزش‌های حاکمیت، بسیار مورد توجه متولیان امر حکومت می‌باشد. به طور کلی، برای اطمینان از بهبود کیفیت آموزش ایدئولوژیک، کارکنان عقیدتی و سیاسی در مدارس عالی، باید روند ایدئولوژیک دانشجویان معاصر را درک کنند و روند عقیدتی را به موقع کنترل نمایند، تا در موارد اضطراری به طور موثر به آن پاسخ دهند،

و دستورالعمل‌های علمی برای کارهای عقیدتی و سیاسی ارائه دهند. از آنجا که مدرسین معلم می‌توانند نقشی راهنما در آموزش عقیدتی و سیاسی داشته باشند، لازم است از کالیبر سیاسی بالا، احساسات والای اخلاقی و احساس وظیفه بالایی برخوردار باشند؛ به ویژه معلمان عقیدتی و سیاسی باید نقش هدایت بهتری در دانشجویان ایفا کنند. در نتیجه، فعالیت‌های ایدئولوژیک، دانش‌آموزان را به شکل دادن خصوصیات اخلاقی خوب ارتقاء می‌دهد (Qian, 2018, p.159).

در همین ارتباط گرامشی مفهوم فرهنگ هژمونیک را بسیار گسترش داد و تحلیلی خاص از چگونگی تأسیس و حفظ کنترل طبقه حاکم - بورژوازی - ارائه کرد. وی پیشنهاد نمود که دولت نباید کنترل خود را فقط از طریق خشونت و اجبار سیاسی و اقتصادی اعمال کند؛ بلکه از طریق ایدئولوژی و فرهنگ هژمونیک، باید ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را تبلیغ کند تا آنها به ارزش‌های عقل سلیم همه تبدیل شوند (Gramsci, 1999, p. 87). به طور خاص، نظریه‌های سیاسی می‌توانند بسیاری از اقدامات سیاسی در عرصه عمل را توضیح دهند (Brecht, 2015, p. 497). ما نمی‌توانیم تربیت سیاسی را به خوبی در دنیای مدرن امروزی بفهمیم؛ مگر اینکه آن را در فرایند آموزش به طور کل در نظر بگیریم (Euben, 1997, p. 44).

در ادامه به بررسی تلاش‌های برخی کشورها در بحث تربیت سیاسی از طریق آموزش اشاره می‌شود. تحقیقات در زمینه آموزش سیاسی در مدارس حاکی از آن است که تأکید بر ساختار رسمی، اصول قانون اساسی، حقوق رسمی شهروندان و بحث و گفتگو درباره مسائل روز، رایج است. برنامه درسی ملی نروژ در زمینه آموزش سیاسی، بر آموزش سیاسی متفاوتی تأکید می‌کند، مبنی بر اینکه دانش‌آموزان باید از زندگی سیاسی و ساختارهای اجتماعی انتقاد کنند، آنها باید با آرمان‌های دموکراتیک آشنا باشند و یاد بگیرند که چگونه ممکن است از طریق اشکال مختلف مشارکت سیاسی، تأثیر بگذارند. نتایج مصاحبه‌های کیفی و مشاهدات میدانی، حاکی از آن است که آموزش سیاسی نروژ بر احزاب سیاسی متمرکز بوده است (Rhaug, 2008, p. 579).

در کشور هنگ کنگ، در فضای سیاسی - اجتماعی پس از جنگ، بیش از سه دهه در مدارس این کشور، فقر آموزش شهروندی وجود داشته است. تغییرات سیاسی استعمارزدایی و ادغام مجدد در سرزمین اصلی چین، چالش‌های جدیدی را برای آموزش سیاسی در هنگ کنگ ایجاد کرده است. اگرچه با جنبش آموزش مدنی در دهه ۱۹۸۰ به بعد، آموزش مدنی در مدارس هنوز نتوانسته جهت‌گیری سیاسی و شایستگی لازم در دموکراسی و هویت ملی را برای شهروندان فراهم کند تا برای تغییر در سیستم سیاسی آماده شوند (Tse, 2018, p. 25).

در کشور چین نیز ارزش‌های اصلی سوسیالیستی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظری ایدئولوژی سوسیالیستی با ویژگی‌های چینی در دوره جدید است. این ارزش‌ها یک تجسم جامع و بیان متمرکز از سیستم ارزشی جریان اصلی جامعه چین است، که جهت‌گیری کلی ارزش فرهنگی چین را هدایت می‌کند. در این کشور، مطالب آموزشی، روش‌های تدریس و روند تدریس هنگامی با ارزش تلقی می‌شوند که ارزش‌های اصلی در فرایند تدریس به دانش‌آموزان القاء شوند (Ying & Weibin, 2018, p. 29).

در ارتباط با بحث آموزش و تربیت سیاسی در کشور لهستان نیز داده‌های نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که گزاره‌هایی که درباره آموزش توسط احزاب محافظه‌کار ارئه می‌شود، شامل نقل اشعار با تأکید بر هویت ملی از کتاب‌های درسی بوده که در نتیجه آن ملی‌گراها جو بیزاری از مهاجران را ایجاد می‌کنند که بر نژادپرستی در راهروهای مدرسه تأثیر می‌گذارد (Zuk, 2018, p.1048).

۵-۲. تربیت سیاسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

در ساحت تربیت سیاسی، طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر ارتباط مناسب با دیگران شامل اعضای خانواده و خویشاوندان، دوستان، همسایگان، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و همچنین کسب دانش و اخلاق اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، تعامل میان فرهنگی و عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی‌های زبان ملی، محلی و جهانی تأکید شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). همچنین توجه به مبانی واحد، جایگاه انسان، اصول آزادی توأم با مسئولیت، برابری در آفرینش، اعمال حاکمیت الهی، آشنایی با حقوق فردی، عدالت و نفی سلطه بیگانه و استبداد، از جمله نمونه‌های توجه به تربیت سیاسی در دیدگاه اسلامی است. برای مثال، توجه به امر قانون در حکومت، مردم‌گرایی، صراحت در گفتار و رفتار و عدالت محوری برای تحقق اهداف الهی در سیره سیاسی حضرت علی (ع)، جایگاه ویژه امام خمینی به امر سیاسی را نشان می‌دهد (یوسف‌زاده و شاهمرادی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴). در همین ارتباط، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب علت ماندگاری شعارهای انقلاب را منطبق بودن آنها با فطرت آدمیان می‌داند و در این باره می‌فرماید: برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک، به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در

دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

۵-۳. مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی

از واژگان مورد استفاده در اندیشه امام خمینی که در ارتباط با تربیت سیاسی بوده و همچنین وجوه ساخت آینده کشور نیز در آن ملحوظ شده است، می‌توان به واژگانی مانند آینده‌سازان، نجات‌دهندگان، تربیت سالم، مسائل سیاسی، و متفکر سالم اشاره کرد. در همین ارتباط امام خمینی بر نقش فرهنگیان بر امر تربیت دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان کشور تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: فرهنگی‌ها یک مسئله بسیار بزرگی در گردنشان هست و آن تربیت است؛ تربیت جوان‌هاست، تربیت بچه‌هاست. این تربیت بچه‌ها اگر تحقق درست پیدا بکند، که این بچه‌های کوچکی که تحت تربیت معلمین هستند، خوب تربیت بشوند، مملکت ما بعدها نجات پیدا می‌کند. ما باید کوشش کنیم که این مغزهای کوچولوی بچه‌ها را از حالا سالم بار بیاوریم تا اینها بتوانند بعدها از کشور دفاع کنند. آتیه کشور شما دست همین بچه‌هاست که بعدها اینها باید دست بگیرند. اینها را اگر از حالا تربیت بکنند، یک تربیت سالم، بعدها اینها مملکت را حفظ می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۰۱). ایشان با توجه به شرایط و وضعیت جامعه که نوعی سکولاریسم و جدایی دین از سیاست توسط حکومت پهلوی را ترویج می‌داد. بر طبق هرمنوتیک اسکینر، مؤلف در تلاش است تا با نگارش متون مختلف این دیدگاه را تغییر دهد. امام خمینی به همین دلیل بر وجه سیاسی تربیت توجه خاصی نشان می‌دهند و در این باره می‌فرمایند: آقایان که تربیت بچه‌ها را می‌کنند؛ مسائل سیاسی روز را هم به آنها تعلیم بکنند. نمی‌گویم همه آن [مسائل سیاسی] باشد. همه چیز باید باشد. یک بچه که از یک مدرسه بیرون می‌آید، باید هم مسائل دینی‌اش را بداند، مسائل نماز و روزه‌اش را بداند، هم تربیت‌های علمی بشود، مطابق هر سیستمی که هست، و هم تربیت سیاسی بشود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۰۳).

باید توجه داشت که امام خمینی برای رسیدن انسان به سعادت، دو جهت را لازم می‌داند: در مرتبه نخست، باید عقل نظری از مقام هیولانی و استعداد قابل قبول نظام عالم و معقولات صرف به مقام فعلیت برسد؛ یعنی عقل هیولانی انسان، از هیولانیت رو به عالم فعلیت گذارد و همین طور در مرتبه دوم مربوط به عقل عملی است، بدین منظور که اعضاء و جوارح، اعمال صالحه انجام داده و به کارهایی که مناسب روح و نفس انسانی است، روی آورد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۴-۱۲۵). ناگفته

پیداست که امام خمینی، عقل را بدون تربیت معنوی ناقص می‌داند.

امام خمینی ریشه و اساس همه عقاید و مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقاد مسلمانان را اصل توحید دانسته و در این باره می‌فرماید: اصل توحید به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد (ورعی، ص ۱۳۷۸، ۳۱۷، ۳۲۳). در همین راستا و در شرایط پیروزی انقلاب، به دلیل فساد عقیدتی برخی از اساتید، تصمیم به پاکسازی و تعطیلی دانشگاه‌ها گرفته شد تا عناصر مؤمن و انقلابی جذب دانشگاه شده و بتوانند به تربیت نیروهای متناسب با ارزش‌های جامعه اقدام کنند. از نظر امام خمینی تربیتی مورد پذیرش است که ایشان آن را تربیت انسانی نامیده و امری است که در دانشگاه‌ها به‌طور عام و در مراکز تربیت معلم به‌طور ویژه باید مدنظر قرار گیرد. ایشان معتقدند که امر مهم در دانشگاه‌ها، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، و تربیت‌های دانشجویی این است که همراه با تعلیمات و تعلّمات، تربیت انسانی نیز باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبهٔ اعلاء رسیده‌اند، لکن تربیت انسانی ندارند. چنین اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیاده‌تر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب می‌شود که ضررش بر ملت و بر کشور زیاده‌تر از آنهایی باشد که دانش ندارند. همین، دانش را یک شمشیری در دست خودش می‌کند، و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشهٔ یک کشور را از بین ببرد و قطع کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۱۰). به عبارت دیگر، امام خمینی بر این باورند که تربیت و تعلیم باید همه‌جانبه باشد؛ یعنی آن مقداری که کشور احتیاج به آن دارد، انسان احتیاج به آن دارد، خود شخص احتیاج به آن دارد، باید تعلیم و تربیت در آنجا به همهٔ ابعاد باشد (همان، ج ۶، ص ۱۹۹).

امام خمینی در اهمیت تربیت سیاسی در دین اسلام به واژگانی مانند معنویت، جامع بودن دین اسلام، تربیت اسلامی، اسلام و سیاست اشاره می‌کنند و بر همه‌جانبه بودن نگاه دین اسلام به مقوله تربیت تأکید دارند: اسلام فقط عبادت نیست؛ فقط تعلیم و تعلّم عبادی و امثال اینها نیست. اسلام سیاست است. اسلام از سیاست دور نیست. اسلام، یک مملکت، یک حکومت بزرگ به وجود آورده است؛ یک مملکت بزرگ به وجود آورده است. اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است. منتها سایر رژیم‌ها از بسیاری از امور غافل بودند، و اسلام از هیچ چیز غافل نیست؛ یعنی اسلام انسان را به همهٔ ابعادی که انسان دارد، تربیت می‌کند: بُعد مادی دارد، راجع به بُعد مادی تصرفاتی دارد، بُعد معنوی دارد، راجع به معنویات صحبت دارد. بالاتر از آن دارد؛ بالاتر از این صحبت دارد (همان، ج ۶، ص ۲۰۰).

وجه دیگری از تربیت که متناسب با کنش گفتاری امام خمینی می‌باشد و با اهداف انقلاب و شعارهای مبارزه با رژیم همخوانی دارد، تربیتی است که رنگ و بوی استقلال، عزت، ضد استعماری، خودباوری داشته باشد. در واقع تربیت باید بتواند خودباوری و اعتماد به نفس لازم را در مبارزه با استعمار و استثمار در فرد ایجاد کند. این باور از نظر امام خمینی می‌تواند مشکلات کشور را حل نموده و آن را در مسیر رشد قرار دهد: هر مسلمانی می‌خواهد که اسلام - که یک مذهب مترقی است، و ابعادش تمام اینچاه‌ها را می‌گیرد - به همان تربیت و تعلیم اسلامی که اگر با آن تربیت و تعلیم اسلامی یک جوان‌هایی رشد بکنند، یک ملتی رشد بکنند، به آن ترتیب تمام چیزهایش درست می‌شود. دیگر از استعمار بویی پیدا نخواهد شد. از استثمار بویی نخواهد بود (همان، ج ۱۰، ص ۴۷۱).

از دیگر ابعاد امر تربیت در اندیشه امام خمینی توجه جدی به بحث معنویت با علم، تهذیب نفس، تربیت قرآنی، و تربیت معنوی است که به کرات در کنش گفتاری امام خمینی مشاهده می‌شود. در همین ارتباط، امام خمینی بر جایگاه بی‌بدیل دانشگاه در تربیت نیروی متعهد و متخصص اشاره کرده و معتقدند که فساد عقیدتی یک استاد می‌تواند معلمانی با عقاید فاسد تربیت کند که آنها نیز به دنبال این فرایند، دانش‌آموزانی را با عقاید منحرف تحویل جامعه خواهند داد. به همین دلیل ایشان بر اصلاح دانشگاه تأکید خاصی دارند و می‌فرمایند: آقایان می‌دانید که دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود، آن کشور اصلاح می‌شود؛ آنکه در رأس امور اجرایی یا تقنین یا قضاوت یا اینطور چیزها واقع می‌شود، دانشگاهی هستند و روحانیون؛ و با اصلاح این دانشگاه، امور کشور اصلاح می‌شود و با انحراف دانشگاه، کشور منحرف می‌شود. حتی اگر یک استاد منحرف باشد، ممکن است که اثرش برای یک کشور اثر چشمگیر باشد؛ برای اینکه یک استاد منحرف ممکن است که جمعی از جوان‌ها را منحرف کند و آنها هم همین‌طور در درازمدت، یک وقت، یک غائله بزرگ برپا بشود. از این جهت، در اصلاح دانشگاه و در انقلاب فرهنگی دانشگاه، آنکه از همه مهم‌تر است، قضیه اساتید دانشگاه، معلمان و دانش‌آموزان، از آن پایین تا بالا، که این نارس‌ها دست یک اشخاص متعهد بیفتند، بالاتر که می‌آیند، نوجوان‌ها باز دست یک دسته متعهد و بعد هم در دانشگاه که می‌آیند، دانشگاه هم آنها را بسازد (همان، ج ۱۵، ص ۴۲۹). به همین دلیل، ایشان بر لزوم تربیت معنوی در دانشگاه‌ها با تکیه بر مبانی دینی تأکید دارند و در این رابطه می‌فرمایند: باید در دانشگاه همان‌طوری که علوم مادی تدریس می‌شود، علوم معنوی هم تدریس بشود. باید آن امور انسانی، امور تربیتی به دست اشخاصی که بدانند تربیت اسلامی چه است، و بدانند اسلام چه است [تدریس بشود]. گمان نکنند بعضی از این اشخاص که در اسلام، راجع به جامعه چیزی نیست یا راجع به - فرض کنید که - امور تربیتی کم است. اسلام عمیق‌تر از

همه جا و از همهٔ مکتب‌ها راجع به امور انسانی و راجع به امور تربیتی [نظر] دارد که در رأس مسائل اسلام است؛ چنانچه امور اقتصادی دارد. ما نمی‌توانیم امروز همان طور که انبار می‌کردند، از غرب برای ما سوغات می‌آوردند، و در دانشگاه‌های ما بچه‌های ما را فاسد می‌کردند، امروز هم بنشینیم که مغزهایی که تربیت غربی دارند، بچه‌های ما را برای ما تربیت کنند. باید تربیت، تربیت قرآنی باشد. قرآن غنی‌ترین کتاب‌های عالم است (همان، ج ۱۵، ص ۴۱۵). این امر چنان در نظر امام خمینی با اهمیت است که وی تفاوت مکتب توحیدی اسلام را با مکاتب طاغوتی در تربیت کامل انسان می‌داند: «اسلام مایهٔ سعادت بشر است. اسلام برای انسان‌سازی آمده است. برای این آمده تا انسان‌ها را برخلاف طاغوت، از ظلمت به سوی نور برساند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۹۳). در ادامه به ابعاد مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اشاره خواهد شد.

۴-۵. مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آنچه در اندیشه مقام معظم رهبری، در امتداد کنش گفتاری امام خمینی مطرح می‌شود، بر نقش بی‌نظیر معلم در ساخت آینده کشور تأکید کرده و در این باره می‌فرمایند: آینده کشور، آینده دنیای ما، به تلاش امروز آموزش و پرورش وابسته است؛ این کم‌چیزی نیست. ما هیچ دستگاه دیگری را نداریم که اینقدر حائز اهمیت باشد. بله، در دانشگاه هم درس می‌خوانند، در حوزه علمیه هم درس می‌خوانند، در محیط‌های اجتماعی هم تربیت می‌شوند، اما نقش تأثیرگذار معلم بی‌بدیل است؛ نقشی که معلم می‌تواند در اثرگذاری فکری و روحی این مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است، داشته باشد - در دوران کودکی، در دوران نوجوانی، تا تمام این دوره دوازده سال - نظیر ندارد، بی‌بدیل است؛ نه پدر، نه مادر، نه محیط، هیچ‌کدام این نقش را ندارند. معلم یک چنین چیزی است؛ آموزش و پرورش یک چنین دستگاهی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴).

از واژگانی که در اندیشه مقام معظم رهبری به طور فراوان مشاهده می‌شود، نیروی مؤمن، انقلابی، متدین، و معتقد به ارزش‌های نظام است که باید فارغ از نگاه جریان‌ی، به آموزش و پرورش به عنوان یک چشم‌انداز بلندمدت نگریست. این مفاهیم در بیانات ایشان مورد تأکید قرار گرفته است: داشتن نگاه‌های جریان‌ی، سیاسی، حزبی، جناحی و این چیزها، برای آموزش و پرورش سم است. جوری با مسائل گوناگون آموزش و پرورش برخورد بشود که مسئله مدیر هر بخش از این دستگاه عظیم و عریض و طویل، مسئله «آموزش» و «پرورش» باشد؛ تربیت انسان باشد، تربیت نیروی انقلاب باشد. برادران، خواهران، عزیزان! من همین‌جا عرض بکنم: اینکه ما بر روی نیروهای انقلابی و نیروهای متدین

تکیه می‌کنیم، به‌خاطر این است که ما راه طولانی در پیش داریم؛ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، براساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - «ما» که عرض می‌کنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه نمونه است. شما می‌خواهید در محدوده ایران عزیز- که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه بسیار حسّاسی از دنیا هم واقع شده است- یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳). البته آیت‌الله خامنه‌ای وجود اختلاف نظر در مسائل را امری طبیعی دانسته و حتی آن را لازم می‌داند؛ آنچه در اینجا مورد نکوهش است، وارد کردن جنجال‌های سیاسی در امر آموزش و پرورش می‌باشد. ایشان معتقدند که البته هر کسی در مسائل گوناگون سیاسی، مجاری سیاست کشور و موضع‌گیری‌ها و گفتارهای اشخاص، دیدی دارد و نظر پیدا می‌کند. این هیچ اشکالی ندارد؛ باید هم انسان صاحب‌نظر باشد؛ بنده هم همیشه روی این مسأله تأکید می‌کنم که باید سیاستدان بود و قدرت تحلیل سیاسی داشت. این یک ملت را مصونیت می‌بخشد که بفهمد جریان سیاسی در دنیا چیست؛ یعنی می‌خواهند چه بر سر او بیاورند و او را به کجا بکشانند و او باید به کجا برود و چه باید اراده کند. اینها جزو چیزهای لازم برای ملت است و خوشبختانه ملت ما از جهت آگاهی سیاسی جزو ملت‌های پیشرفته است؛ اما این غیر از جناح‌بندی و موضع‌گیری و جنجال و مناقشه سیاسی است. از این پرهیز کنید و به کار اصلی که آینده کشور در گرو آن است و در اختیار شماست، بپردازید. شما باید کاملاً بتوانید این را تدارک کنید (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱). آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم که در واقع راهنمای ادامه مسیر انقلاب می‌باشد، بر نگاه مثبت به پدیده‌های نو تأکید می‌نمایند: جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اقا به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حسّاس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). ایشان معتقدند که مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

واژگان مورد استفاده آیت‌الله خامنه‌ای در امر تربیت سیاسی دانش‌آموزان بر شجاع بودن،

مسئولیت‌پذیری، آزاداندیشی، بلند همتی، پرهیزکار بودن، پاکدامن، پارسا، مبتکر، اهل اقدام، و توانا بودن تأکید داشته و هدف از کنش‌گفتاری توجه به پرورش نسل‌هایی با ویژگی‌های مذکور است:

دانش‌آموز در مدرسه به‌وسیله شماها تربیت می‌شود؛ باید دارای حس مسئولیت‌تربیت بشود؛ دارای روحیه آزاداندیشی تربیت بشود؛ راستگو تربیت بشود؛ بلندهمت تربیت بشود؛ شجاع، فداکار، پاک‌دامن، پرهیزکار؛ نسل تربیت‌شونده در اختیار شما، باید با این خصوصیات تربیت بشوند؛ افق دید، اینها است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). در همین ارتباط می‌فرمایند: آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند که دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند. این [طور] اگر شد، این کشور به همانی که بنده آرزو کردم و گفتم و وعده دادم و انشاءالله خواهد شد، خواهد رسید؛ یعنی ما تا چند دهه بعد - آن روز من گفتم تا پنجاه سال که حالا چند سالش گذشته - مثلاً تا پنجاه سال دیگر [به جایی می‌رسیم که] هر کسی در دنیا بخواهد مرزهای جدید علم را به دست بیاورد، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد. تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایران سربلند فردا است، پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸).

وجه دیگری از تربیت سیاسی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، توجه خاص به واژه دشمن، نفوذ، استعمار، استکبار، تهاجم فرهنگی، دشمن‌شناسی، دانش، توانایی و توطئه‌های مختلف آن به منظور نفوذ و به بن‌بست کشاندن انقلاب است. از مهم‌ترین حوزه‌هایی که دشمنان انقلاب در گام اول درصدد استفاده ابزاری از آن برآمدند، علم و دانش و دستاوردهای منتج از آن بود. ایشان در بیانیه گام دوم در این باره می‌فرمایند:

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). دنباله این مسیر که به گمان

زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت ببرند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

امر دیگری که در کنش گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با تربیت سیاسی مشاهده می‌شود، ارتباط نزدیک فرهنگ و سیاست است. از مؤلفه‌های فرهنگ هر ملتی، سبک زندگی آن ملت است. این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف می‌کشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین، در دل فرهنگ، سیاست هم هست (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵). ایشان همچنین بر جایگاه مسئولان مختلف در ارتقاء یا تنزل فرهنگ جامعه اشاره کرده و معتقدند: روشنفکران جامعه، نخبگان جامعه، علمای دینی، فعالان سیاسی، و در رأس همه، حکومت و دولت - دولت به معنای عام، به معنای حکومت - اینها آن اقطاب تأثیرگذار هستند؛ اینها می‌توانند فرهنگ را منحط کنند، یا تضعیف کنند، یا تقویت کنند، ... آن که می‌تواند تأثیر بگذارد و به سمت مثبت یا به سمت منفی تغییر بدهد، همین قطب‌های اثرگذارند؛ که علما هستند و نخبگان هستند و روشنفکران هستند و حکام هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰).

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، واژگان همراه با تربیت سیاسی، مفاهیم مشارکت سیاسی، داشتن روحیه تحلیل مسائل سیاسی، و داشتن بصیرت سیاسی است که به مدد انقلاب اسلامی به ثمر رسیده است؛ انقلاب اسلامی مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). انقلاب همچنین تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب، به خصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ اینگونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم شد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌مثابه بنیانگذار انقلاب اسلامی بر بعد عقلانی تربیت تأکید دارند و

می‌فرمایند: در درجه اول، تربیت عقلانی است؛ یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مسئله است؛ و مهم‌ترین مسئله هم همین است. عقل، این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت می‌کند. اشتباه می‌کنند آن کسانی که خیال می‌کنند با سیاسی‌کاری، عقلانی عمل می‌کنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸).

از دیگر واژگانی که در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نیز مورد توجه است، ارتباط وثیق تربیت با مقوله اخلاق، معنویت، و ارزش‌های انسانی می‌باشد. ایشان بر لزوم پیوند بین علم و ارزش‌های انسانی تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: اگر از استعداد اینها در راه پرورش فکری و رشد علمی استفاده نشود؛ یا رشد علمی پیدا کنند، اما از لحاظ انسانی و اخلاقی و تربیتی انسان‌های منحرف بار بیایند؛ انسانی بی‌اعتقاد و بی‌اعتنای به همه موازین اخلاقی باشند؛ نه به ملت، نه به کشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب، نه به خدمتگزاران و مسؤولان کشور و نه به سرنوشت و تاریخشان هیچ اعتنایی نداشته باشند؛ اینها هرچه هم عالم باشند، این علم ارزش منفی دارد؛ یعنی میزان علم هرچه بیشتر شد، ضربه و ضررش هم بیشتر خواهد بود؛ ایشان معنویت و اخلاق را جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می‌دانند. بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). در واقع رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷) و این فرایند با تربیت نیروهای انقلابی، مؤمن و معتقد به ارزش‌های اسلامی، جهت‌گیری شده است. در ارتباط با وجوه شباهت مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری باید اذعان داشت که بار معنایی مفهوم مذکور برگرفته از جهان‌بینی هر دو متفکر که منبعث از مبانی اسلامی است، می‌باشد. توجه به واژگانی چون تقوا، تهذیب، درستکاری، ایمان، معنویت، اخلاص، تعهد، و مؤمن حکایت از نقش مبادی دینی در تربیت سیاسی دارد. در خصوص وجوه تفاوت دو دیدگاه باید به زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زیست دو اندیشمند توجه نمود. با توجه شرایط رهبری امام، واژه تربیت سیاسی به عرصه مبارزه با قوانین رژیم طاغوت با کلماتی چون مفسدان، وابسته‌ها ارتباط پیدا می‌کند. از طرف دیگر نیز امام در تلاش است تا جایگاه احکام اسلامی را به منظور أخذ ملزومات تعلیم و تربیت

در مدارس، دانشگاه‌ها و جامعه تبیین کنند و بار معنایی به این سو کشیده می‌شود. همچنین در فرایند تثبیت انقلاب و جنگ تحمیلی واژگان دیگری مانند شهادت‌طلبی، عاشورا، دنیای کفر با رهبری شیطان بزرگ، اسلام ناب و اسلام آمریکایی، دشمن‌شناسی با تربیت سیاسی ملازمه پیدا می‌کند. در کنار همین برداشت‌ها، آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به گذار از دوره تثبیت به توسعه انقلاب تربیت سیاسی نیز در اندیشه ایشان دایره معنایی گسترده‌تری پیدا می‌کند. رخدادهایی مانند تهاجم فرهنگی، تحریم‌های شدید اقتصادی، محور مقاومت، تمدن نوین اسلامی، دولت اسلامی، اقتصاد مقاومتی و در نهایت گام دوم انقلاب واژگان هنجارینی هستند که در شکل‌دهی مفهوم گسترده‌تری از تربیت سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری تأثیرگذار هستند؛ به طوری که با کلماتی چون مدیریت جهادی، مقاومت، جهاد اقتصادی، بصیرت، علم و دانش پیکربندی شده است.

۶. نتیجه‌گیری

کنش‌گفتاری به این امر اشاره دارد که زبان، متن و واژگان می‌توانند ضمن داشتن بار معنایی صرف، در عرصه کنش عملی نیز تأثیرگذار باشند. جان سرل، جان آستین، ویتگنشتاین بر این بعد از زبان تأکید می‌کنند. هرمنوتیک اسکینر نیز که متأثر از فرایند فهم متون به معنای عام کلمه است، نیز بر کشف نیت مؤلف با توجه به نگارش متون تأکید دارد و برای رسیدن به فهم اصلی مؤلف، مراحل خاصی را پیشنهاد می‌کند که یکی از آنها توجه به واژگان تجویزی می‌باشد. با توجه به هدف اصلی پژوهش حاضر که بررسی مفهوم تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری از منظر کنش‌گفتاری-هرمنوتیکی بود، ابعاد تازه‌ای از این مفهوم بدست آمد. واژگانی مانند انقلابی بودن، مؤمن و متدین، پرهیزگاری و تقوا داشتن، داشتن بینش و تحلیل سیاسی، مشارکت سیاسی، نقاد بودن، علم با تهذیب نفس، توجه به اخلاق، عدالت‌محوری، توحیدمحوری، شجاع بودن، اعتقاد به اصول و مبانی ارزشی انقلاب اسلامی، خودباوری و استقلال، نفی وابستگی و مبارزه با استکبار، باور به توانمندی داخلی و امید به آینده، تسلیم‌ناپذیری، دشمن‌شناسی و به روز بودن از جمله واژگانی است که اندیشه امام و مقام معظم رهبری با امر تربیت سیاسی پیوند اساسی خورده‌اند. از اهداف فرعی پژوهش نشان دادن ارتباط زیست مؤلف با اندیشه وی بود که در قسمت‌های مختلف به این امر اشاره شد و مشخص گردید که توجه به شرایط و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در فرایند مبارزه با رژیم، رهبری انقلاب تا پیروزی و پس از آن تثبیت انقلاب ارتباط مفهوم تربیت سیاسی با واژگان بکار گرفته شده توسط بنیانگذار انقلاب اسلامی هماهنگ به نظر می‌رسد و بار معنایی متناسب با آن شرایط را دارند. همچنین امام با

نگاهی به آینده نیز جنبه‌هایی از بحث تربیت سیاسی را برای همگان روشن نموده‌اند. همچنین پس از آغاز رهبری انقلاب توسط مقام معظم رهبری نیز زمینه‌ها و حوادث تاریخی زمان در طراحی مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر ایشان بی‌تأثیر نبوده و چشم‌انداز این مفهوم را تا سال‌های آینده، بویژه در عرصه تعلیم و تربیت که رکن اساسی تربیت می‌باشد، روشن ساخته‌اند. تدوین نظریه‌هایی چون دولت اسلامی، محور مقاومت، تمدن نوین اسلامی و گام دوم انقلاب با واژگان هنجارینی که در متن مقاله اشاره شد، مرتبط بوده و نشان از دیدگاه کلان‌تری از ابعاد تربیت سیاسی دارند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این نکته بود که اجازه بررسی جنبه‌ها و مثال بیشتری از نظریات دو متفکر را نمی‌دهد و پیشنهاد می‌گردد که این فرایند در جوانب دیگر و حوزه‌های مختلف تربیت نیز مورد کاوش قرار گیرد.



— منابع —

- احمدی، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۶). مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی. *دانش سیاسی*، ۱۴(۱).
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲). *اندیشه سیاسی امام خمینی؛ سیاست به‌مثابه صراط*. تهران: سمت.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۸۵). *اسلام و تعلیم و تربیت*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱). *بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3130>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). *بیانات در سالروز عید سعید مبعث*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18292>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). *بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26342>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). *بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29639>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). *بیانات در دیدار با ائمه جماعت مساجد استان تهران*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). *بیانات در دانشگاه فرهنگیان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). *بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *چهل حدیث*. مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۶-۸، ۱۰-۱۱.
- رضوی، سید عباس و همکاران (۱۳۸۹). *بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی*. *روانشناسی تربیتی*، ۶(۹).
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). *تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف*. *راه تربیت*، شماره ۵.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.
- طباطبایی، مینو (۱۳۹۷). *بررسی مولفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی*. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۶(۴۰).
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷). *تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی*. *راه تربیت*، شماره ۵.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۷). *اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی*. *راه تربیت*، شماره ۵، ص ۱۰۱ - ۱۰۳.
- ورعی، جواد (۱۳۷۸). *امام خمینی و احیای تفکر اسلامی*. تهران: نشر مؤسسه چاپ و نشر عروج.

یوسف‌زاده، محمدرضا؛ شاهمرادی، مرتضی (۱۳۹۹). ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی براساس ساحت تربیت اجتماعی- سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۱).

Austin, J.L. (1975). *How to do things with words* (Vol. 88). Oxford university press.

Brecht, A. (2015). *Political theory: The foundations of twentieth-century political thought*. Princeton University Press.

David, M.K. (2014). Language, power and manipulation: the use of rhetoric in maintaining political influence. *Frontiers of Language and Teaching*, 5(1), p.164-170.

Euben, J.P. (1997). *Corrupting youth: Political education, democratic culture, and political theory*. Princeton University Press.

Giannakopoulos, G. & Quijano, F. (2012). On politics and history: A discussion with Quentin Skinner. *Journal of Intellectual History and Political Thought*, 1(1), p.7-31.

Gramsci, A. & Patriarchi, A. (1999). *Antonio Gramsci*. ElecBook, the Electric Book Company.

Pocock, J.G.A. (1978). *Politics, language, and time: Essays on political thought and history*. University of Chicago Press.

Pocock, J.G.A. (1989). *Politics, language, and time: Essays on political thought and history*. University of Chicago Press.

Pocock, J.G.A. (1999). *Barbarism and religion* (Vol.6). Cambridge University Press.

Qian, Z. (2018). *Value Analysis of Hot Spots of Society in Ideological and Political Education in Higher Schools*. In: 2018 4th International Conference on Education Technology, Management and Humanities Science (ETMHS 2018). Atlantis Press.

Rhaug, K. (2008). Educating voters: Political education in Norwegian upper-secondary schools. *Journal of Curriculum Studies*, 40(5), p.579-600.

Schmitt, C.B., Krays, J., Kessler, E. & Skinner, Q. (Eds.). (1990). *The Cambridge history of Renaissance philosophy*. Cambridge University Press

Skinner, Q. (1978). *The foundations of modern political thought: the age of reformation*. Vol. 1. United kingdom: Cambridge University Press.

Skinner, Q. (2002). *Visions of Politics: Regarding Method*. Cambridge. (Vol.1). Cambridge University Press. DOI: 10.1017/CBO9780511790812.

Skinner, Q. (2004). *The foundations of modern political thought Volume 2: the age of reformation*. United kingdom: Cambridge University Press.

Tse, T.K.C. (2018). *Preparing students for citizenship?: civic education in Hong Kong secondary schools*. Doctoral dissertation, University of Warwick.

Wittgenstein, L. & dos Santos, L.H.L. (1994). *Tractatus logico-philosophicus*. Edusp.

Ying, S. & Weibin, F. (2018). A Literature Review of the Limiting Factors, Teaching Approach, and Teaching Strategy of Socialist Core Values into Senior High Schools' Ideological and Political Education. *Journal of Tianshui Normal University*, 3, p.27.

Žuk, P. (2018). Nation, national remembrance, and education—Polish schools as factories of nationalism and prejudice. *Nationalities Papers*, 46(6), p.1046-1062.